

بالا مانده و در ایران نیز در آخرین مشاهده به ۵۰٫۸ درصد رسیده است؛ رقمی که نمی‌توان آن را صرفاً با عامل فصل یا رفتارهای کوتاه‌مدت توضیح داد.

از سوی دیگر همزمان چشم‌نرخ‌نمایی در پاییز سال قبل بیشترین تاثیر را بر رشد تورم گروه خوراکی در ماه‌های اخیر داشته است. این موضوع نشان می‌دهد سیاست‌های جاری دولت در تخصیص ترکیبی ارز ترجیحی و تجاری به کالاهای وارداتی به تداوم روند صعودی قیمت‌ها در ماه‌های آینده منتهی خواهد شد.

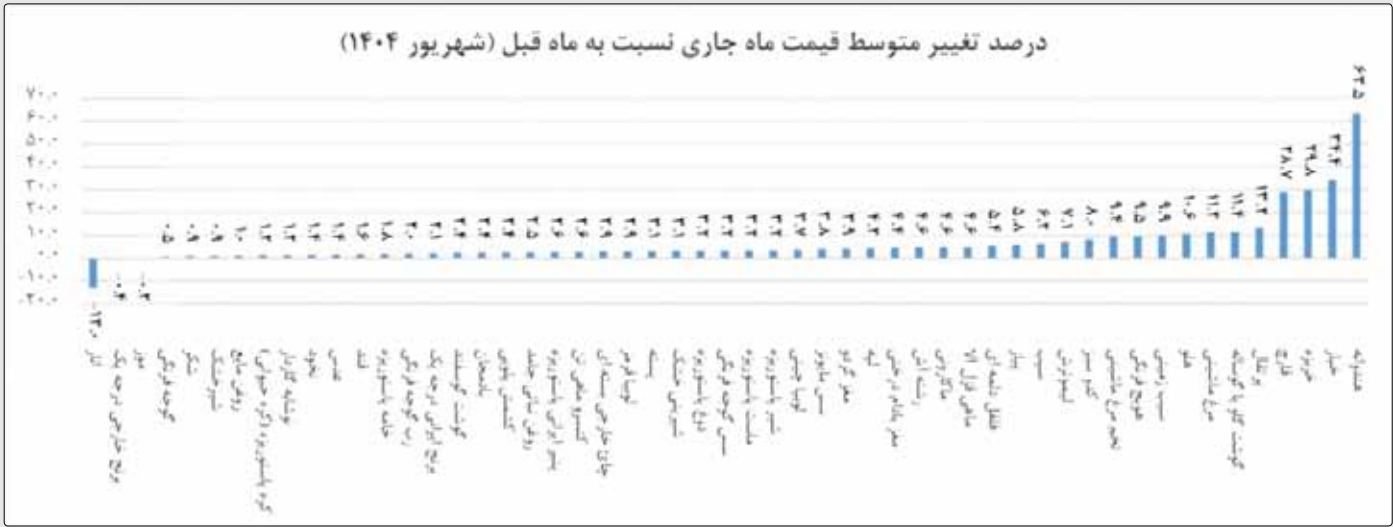
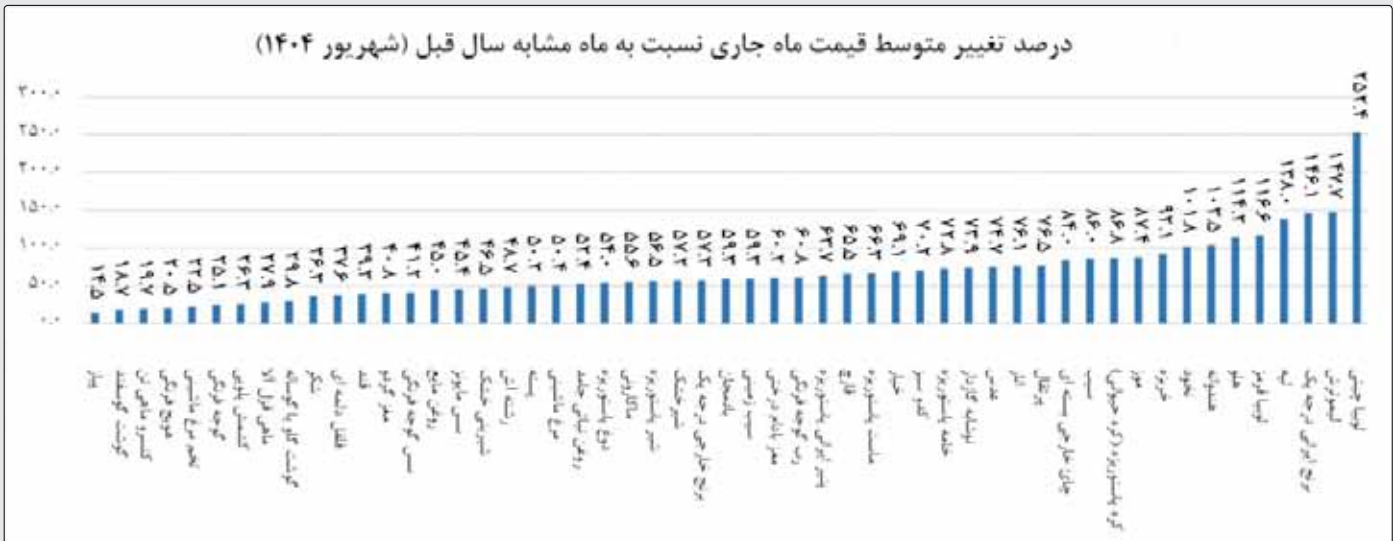
■ ابعاد نگران کننده تورم در مقایسه با سال های قبل
بررسی ارقام تورم در مقایسه با سال های گذشته، ابعاد نگران کننده این پدیده را روشن تر می کند. رگرودسکتی تورم نقدی پس از ۲ سال، نشان دهنده پایداری تورم در سطوح پایا و عدم ورم و بخش خوراکی ها به عنوان یکی از مسائل های اخیر، مطرح بوده اما رشد رشد قیمت ها در این گروه در ماه های اخیر، بویژه در کالاهای اساسی نظیر نان، غلات، لبنیات، روغن و جای از روندهای قبلی بیشی گرفته است. این امر نشان می دهد فشار تورمی در گروه خوراکی بسیار فراتر از نوسان های فصلی است و پارامترهای ساختاری در عمیق تر شده است.

فعال شدن همزمان چندین پیشران تورمی شامل نرخ ارز، رشد نقدینگی، انتظارات تورمی بالا، تورم تولیدکننده، خشکسالی و افت سطح تولیدات صنعتی، وضعیت را در مقایسه با دوره‌های پیشین پیچیده‌تر و نگران‌کننده‌تر کرده است. این ترکیب از عوامل، خطر تشدید روند صعودی قیمت‌ها را افزایش داده و همزمان ظرفیت‌های سیاست‌گذاری دولت را برای مدیریت این بحران کاهش داده است.

■ **ضرورت برنامه‌ریزی مدون دولت برای مهار تورم**

با توجه به شاخص‌های پیش‌بینی انگر اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود بدون تغییر در سیاست‌های کلان دولت، نرخ تورم در ه دو بخش «خوراکی» و «غیر خوراکی» طی ماه‌های آینده صعودی باشد. این وضعیت، فشار فزاینده‌ای بر تأمین حداقل‌های معیشتی به خانوارها و خوارهای آور و پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. از دست رفتن قدرت خرید، بویژه در اقشار کم‌درآمد، نه فقط به نارضایتی عمومی دامن می‌زند، بلکه باعث کاهش همراهی مردم با سیاست‌های راهبردی دولت در همه حوزه‌ها خواهد شد و مقاومت اجتماعی برای اصلاحات اقتصادی را افزایش خواهد داد.

در چنین شرایطی، مدیریت تورم در کوتاهمدت از اهمیت راهبردی برخوردار است. دولت و مجلس باید بدون تعلل، برای مهار روند صعودی تورم و حمایت از معیشت خانوارها بهانه‌های رسمی‌کننده که شامل ۲ بخش «اختلاف تصمیمات قاطع و فوری برای کنترل عوامل تورم» و «طراحی سازوکارهای حمایتی موثر از اقتضای آسیب‌پذیر و جبران کاهش قدرت خرید خانوارها» می‌شود. تاخیر در شروع اصلاحات اقتصادی می‌تواند به بی‌ثباتی‌ها در این بخش دامن بزند که جبران آن را سخت‌تر و پرهزینه‌تر خواهد کرد.



پرونده «وطن امروز» درباره آخرین تحولات قیمت مواد خوراکی در شهر یورماه

تورم داغ تابستان

مصرف و افت کیفیت رژیم غذایی است.

■ ریشه‌یابی جهش‌های قیمتی

چش‌های ماه شه‌رور را می‌توان با چند سازوکار مکمل توضیح داد؛ نخست، سازوکار فصلی است. بایان تابستان، تغییر الگوی عرضه بسیاری از مس‌ریجات و از ر‌قم ر‌ز ر‌زد. وقتی دوره می و گذ‌ر و ه‌زین‌های ه‌ربرد‌اشت و حمل در مس‌ری‌های طولانی‌تر می‌ن‌ش‌ند، فشار قیمتی در کالاهای فسادپذیر تش‌دید می‌شود. ب‌ویژه اگر موجودی انبار‌های ب‌ن‌کاران و می‌اد‌ر میوه و می‌اد‌ر با انتظار گرانی با احتیاط مدیریت شود. دوم، سازوکار ارز است. حتی اگر ماهانه چ‌ش چ‌م‌بر در بازار ارز ثبت نشده باشد، «طایم‌انی ارز» و «پ‌س‌ک‌های» خود به‌تنهایی ب‌ن‌کاران را ب‌رند حاشیه قیم‌گذاری کافی است. ب‌ن‌کاران و واردکننده وقتی مطمئن نباشد کالای جایگزین با چه چیزی خواهد رسید، ترجیح می‌دهد قیمت فروش جاری را با حاشیه بیشتری تنظیم کند. سوم، ه‌زین‌های انرژی و حمل‌ونقل است. ه‌زین‌ه‌ل‌س‌تیک شه‌ری و بین‌شه‌ری (از سوخت تا دست‌م‌زد و قطعات) در شه‌های اخیر به‌مت‌ور جدیدی برای تورم شو‌ک‌های ب‌د‌یل شده و اثر

که در فضای واقعی بازار، به معنای شوکی محسوس به سبد خرید بسیاری از خانوارهاست.

اگر لنز را از ماهانه به سالانه بچرخانیم، تصویری حتی پرجاشتر دیده می‌شود. نمودار تغییرات نقطه به نقطه شهرپور ۱۴۰۴ نشان می‌دهد افزایش ماند «پیموتش» حدود ۲۵٪، «پیموترش» حدود ۱۴۸ درصد، «ردص» حدود ۱۲۸ ایرانی درجه یک» حدود ۱۴۴ درصد و «لپه» نزدیک ۱۲۸ درصد نسبت به شهرپور پارسال درجه یکم داشته‌اند. اینها فقط نمونه‌هایی از صرشتین‌ها هستند و فهرست بلندتری از اقلام با رشدهای بالای ۵۰، ۶۰ و حتی ۱۰۰ درصد دیده می‌شود. نکته بسیار مهم آنکه بنا به همین گزارش، در شهرپور ۱۴۰۴ قیمت ۳۹ قلم از ۵۳ خوراک منتخب، تغییر سالانهای بالاتر از نرخ تورم نقطه‌ای کشور» داشت؛ یعنی خوراک‌ها به طور متوسط سرعیت از سطح عمومی قیمت‌ها می‌دوند و این همان کانالی است که فشار قیمتی را بر گروه‌های کم‌درآمد تشدید می‌کند. خود قیمت‌ها چه می‌گویند؟

برای ملموس تر شدن بحث، نگاه به خود اعداد قیمت در شهریور ۱۴۰۴ روشنگر است. متوسط قیمت هر کیلو «برنج ایرانی» در هر یک «۲,۹۶۴,۴۳۱ ریال و «برنج خارجی» در هر یک «۹۷۹,۶۵۴ ریال ثبت شده است. در پروتئین‌ها به دهی هر کیلو «گوشت گوسفندی» «۸,۰۷۱,۳۶۷ ریال، «گوشت گاو یا گوساله» «۷,۴۱۵,۲۴۹ ریال و «مرغ ماشینی» «۱,۳۳۷,۱۹۸ ریال گزارش شده است. در لبنیات، قیمت «شیر پاستوریزه» (کیلو لیتر) «۵۴۲,۳۹۰ ریال، «هاست پاستوریزه» حدود «۷۹۶,۲۹۶ ریال به ازای هر کیلو و «پنیر ایرانی پاستوریزه» (بسته ۵۰۰ گرمی) «۱,۰۴۹,۲۷۷ ریال بوده است. در روغن‌ها نرخ «روغن مایع ۹۰۰ گرمی» «۲,۹۳۱,۹۶ ریال و «روغن نباتی جامد» به ازای هر کیلو «۲,۰۱۲,۳۷ ریال، «روغن استاندارد» در میوه‌جات و سبزیجات، قیمت «هوز» «۱,۶۵۹,۴۲۱ ریال، «گوجه‌فرنگی» «۲۷۹,۱۴۴ ریال، «سیمبزمینی» «۳۱۲,۹۱۵ ریال و «پیاز» «۱۶۸,۶۶۲ ریال (همگی به ازای هر کیلو) ثبت شده است. این ارقام، اگرچه رهایی و میانگین‌گیری نباشد اما بخوبی نشان می‌دهد فشار بودجه‌ای در کدام نقاط مبدأ خوراکی‌ها متمرکز است. برنج ایرانی به عنوان کالای سرفه، پروتئین‌ها که ستون فقرات امنیت غذایی‌اند و اقلامی که پیش‌تر نقش «معتادل‌کننده» داشتند، مانند برخی سبزیجات و میوه‌های فصلی، اکنون خود به کانون‌های فشار قیمتی تبدیل شده‌اند.

■ چرا فشار بر دهک‌های پایین «مضاعف» است؟
پاسخ کوتاه این است: «فانوال اکسل» و وزن خوراکی‌ها در سبد هزینه‌ای. هر چه خانوار کم‌برخوردارتر باشد، سهم اقلام خوراکی در هزینه‌های بیشتر است. بنابراین هر واحد افزایش قیمت در خوراکی‌ها، رافاهی را بیش از یک خنادر پردردمند کاهش می‌دهد. افزون بر این، خانوارهای کم‌درآمد ابزار کمتری برای «تجسینی» دارند؛ به عنوان مثال، وقتی برنج ایرانی گران می‌شود، برای برخی امکان جایگزینی مستمر با برنج خارجی یا سایر غلات وجود دارد. اما برای دهک‌های پایین این جایگزینی به‌هم خاطر محدودیت نقدینگی، هزینه‌های دسترسی و جستجی به الگوهای مصرف (در فرهنگ غذایی و ذائقه) آسان نیست. بر رویتین‌ها نیز مساله مشابه است؛ افزایش همزمان قیمت مرغ و گوشت قرمز - هر چند از لحاظ کشش تقاضا متفاوتند - معنایش برای دهک‌های پایین، کاهش فراوانی

گروه اقتصادی: شهریور ۱۴۰۴ با خود تصویری روشن و در عین حال نگران‌کننده از بازار خوراکی‌ها در مناطق شهری ایران به جا گذاشت؛ تصویری که اگرچه در آن اثر منفی، شوک‌های زنجیره تأمین و رفتارهای شناخته‌شده بازار دیده می‌شود اما لایه زیرین آن همان مساله‌ای است که ماه‌هاست به آرامی و پیوستگی سفره خانوار را تحت تاثیر قرار داده است.

تورم بالای مواد غذایی در این ماه، بر اساس تازه ترین گزارش «متوسط قیمت اقلام خوراکی منتخب» مرکز آمار، هم در بعد ماهانه و هم در نماگر سالانه، نشانه‌های افزایش قیمتی را ثبت کرده؛ گواهی بر اینکه فشار تورم دهک‌های آسیب‌پذیر در حال افزایش است و اگر سیاست‌گذاران واقعا بخواهد اثرگذار باشد، باید دقیق‌تر و هدفمندتر از گذشته باشد.

به گزارش «وطن امروز» بر اساس آخرین گزارش متوسط قیمت اقلام خوراکی مرکز آمار، در گروه نان و غلات اگرچه روند افزایش قیمت‌ها معمولاً آرام‌تر از بخش میوه و سبزی یا پوشش‌های حرکت می‌کند اما همین‌گونه بوده حرکت نامنداشت. در شهرپور «رشته خشک و ماکارونی» نسبت به مرداد ۴۶ درصد و «رشته پختنی آش» ۳۱ درصد افزایش قیمت داشته؛ تغییری که نشان می‌دهد حتی کالاهای فراوری‌شده آردی که بخشی از پناه‌مندان داخل و بخشی تحت تأثیر هزینه‌های بسته‌بندی و حمل‌ونقل است، در برابر موج عمومی تورم خوراکی‌ها و کاهش نمانده‌اند.

در گروه گوشت قرمز، سفید و فراورده‌های آن، اهنگ رشد ماهانه نسبت دینتر است. متوسط قیمت «گوشت گاو» ۱۱۶/۴ و «گوشت ماهی» ۱۱۲/۲ درصد فقط در یک ماه بالا رفت و حتی ماهی قزل‌آلا نیز رشد ۱۱۲/۲ درصدی را ثبت کرد. این سطح از جهش ماهانه در اقلام از یک سو بازتاب افزایش هزینه‌های نهاده‌ای (از سوی دیگر انعکاس نامطمئن‌های بازی از ارز و انتظارات تورمی است).

لبنيات و تخم‌مرغ نیز از این روند عقب ماند؛ «تخم‌مرغ ماشینی» نسبت به مراد ۹۴ درصد گران تر شد و قیمت «شکر» و «ماست پاستوریزه» حدود ۲،۲ درصد رشد کرد. بهای «پنبه پاستوریزه» هم ۳،۲ درصد بالا رفت و در بازارهای مینو و خشکبار، طبق انتظار، رفتار قیمتی نوساناتی تر بوده، با این تفاوت که این بار دامنه جهش ماهانه غیر متعارف به نظر می‌رسد؛ «هندوانه» ۶۴،۵ درصد «خیار» ۳۴،۴ درصد و «خربزه» ۲۹،۸ درصد ظرف یک ماه افزایش داشته و نرخ «پرتقال» هم ۱۲،۲ درصد رشد کرد. البته همه چیز در این ماه معهودی نبوده؛ قیمت «انار» نسبت به مراد ۱۳،۰ درصد کاهش داشت و در بعضی اقلام باغی دیگر نیز افت‌های ملایم‌تری را شاهد بودیم. در گروه سبزیجات و حبوبات، «سبزی‌مینی» با ۲۸،۷ درصد «فراچا» ۲۹،۸ تا ۳۴،۴ درصد (بنا به نمونه) و «خیار با ۳۳،۳ درصد از کنون‌های جهش چندین درصد، در مقابل، «کدو» و «هویج فرنگی» و «هویج فرنگی» شده‌ای تکرر می‌شود و محدودتری را تجربه کردند. در بخش قند و شکر، سس‌ها و نوشیدنی‌ها قیمت «سس مایونز» ۲۹،۸ درصد و «سس گوجه‌فرنگی» ۳۲،۲ درصد بالا رفت و بهای «چای خارجی استوایی» افزایش ۲،۹ درصدی را ثبت کرد. مجموع این حرکات، برشی است از پهنای باند تورم ماهانه خوراکی‌ها

ادامه از صفحه اول

چرا تصمیم‌گیری در ایران کند و پرهزینه است؟

نگاه

مانع تمرکز قدرت نشده، بلکه قدرت

م‌گیری را در میان هزاران واحد کوچک و بزرگ توزیع کرده به گونه‌ای که گاهی هیچ کس مسؤولیت مستقیم یک تصمیم عهده نمی‌گیرد و همه ترجیح می‌دهند تصمیم‌گیری را به بالاترین سطح اختیارات محال‌آورد بگذارند.

لال روشن این وضعیت را می‌توان در موضوعاتی مثل «فیلتر فیلتر شبکه‌های اجتماعی» دید. پیش آمده که یک قاضی رس به استناد اختیارات قضایی، تصمیم به فیلتر یک شبکه است. اما برای رفع آن یا بازنگری در این تصمیم، پرونده به

بازگرداند تا هم سرعت عمل افزایش و هم پاسخگویی واقعی تحقق یابد.

این اصلاحات، نیازمند اراده جدی و قاطعیت در سطوح بالای حاکمیت است. نخستین گام، بازنگری در ساختار اداری، کوچک‌سازی دولت، تفویض اختیارات به مدیران میانی و میدانی و تقویت فرهنگ پاسخگویی است. همچنین آموزش و توانمندسازی مدیران برای پذیرش مسؤلیت و ریسک تصمیمات، باید در اولویت قرار گیرد.

هیچ کشوری نمی‌تواند با ساختارهای متورم و کند، از پس چالش‌های پویای جهان امروز برآید. ایران امروز بیش از هر زمان، نیازمند اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و بازطراحی فرآیندهای مدیریتی است تا بتواند از فرصت‌ها بهره‌گیرد و تهدیدها را به سرعت و با کارآمدی مهار کند. این، نه فقط یک توصیه کارشناسانه، بلکه یک ضرورت عینی می‌باشد.

به بحران‌های بزرگ‌تری تبدیل می‌شود که مدیریت آنها دشوارتر خواهد بود.

شاید بتوان گفت ایران یکی از معدود کشورهایی است که به وجود عبور از چالش‌های بزرگ تاریخی همچون جنگ و تحریم بین‌المللی نتوانسته است نظام تصمیم‌گیری خود را با مقتضیات زمان هماهنگ کند. امروز کشور در یک بزنگاه تاریخی قرار دارد؛ فشارهای اقتصادی و سیاسی، تحولات جمعیتی و اجتماعی و خطرات امنیتی همگی این اقتضا می‌کند برای هر موضوع، بافصله راهبردی و معین و عملیاتی در کشتن پلن، تعیین شود و سیاست‌های ناکارآمد و مزایم، باارادای جدی و سریع اصلاح شود.

تشکیل جلسات سران ۳ قوه و سایر تدابیر کوتاهمدت، اگرچه تا حدی موثر بوده اما راه حل نهایی نیست. اصلاح بنیادین، مستلزم ناسازی، ادغام و حذف ساختارهای موازی، غیر ضرور و فرسایشی است. باید مسئولیت تصمیم‌گیری را به سطوح میانی و تخصصی‌تر

رار کرده و ترجیح می‌دهد مسئولیت را به سطحی بالاتر منتقل کند. این روند، متأسفانه در بسیاری از دستگاه‌ها، شوراهای و وزارتخانه‌ها جاری است؛ مسائل از شهرستان به استان، استان به وزارتخانه و از وزارتخانه به شورای عالی مربوط انتقال می‌یابد. نتیجه، اتلاف بی‌پایان میانی است. فرسایش انرژی کارشناسان و تضعیف اقتدار ساختارهای فرمانی است.

تعدد و تنوع ساختارهای تصمیم‌گیر در کشور، با کند کردن روند تصمیم‌سازی و پراکندگی مسئولیت‌ها، موجب کاهش پاسخگویی و برپختی می‌شود. تقسیم مسئولیت میان شوراها و کمیسیون‌های متعدد، هم سرعت عمل را می‌گیرد و هم باعث می‌شود در نهایت هیچ‌کس پاسخگوی نتایج تصمیمات نباشد.

این وضعیت علاوه بر کاهش کیفیت تصمیم‌ها، انگیزه و دقت تصمیم‌گیرندگان را فرسوده کرده و باعث از دست رفتن اطلاعات تغییر شرایط می‌شود. در نتیجه، مسائل حل نشده انباشته شده و

روای عالی فضای مجازی با حضور عالی ترین مقامات سیاسی و برایی کشور ارجاع شده و ماهها زمان صرف رفت و آمد و بررسی های پایی می شود، در حالی که می شد درباره اصل موضوع در سطوح بین تر و با حداقل هزینه تصمیم گیری کرد.

سندروم «اراج تصمیم»
 در ادبیات مدیریتی می‌توان این مشکل را «سندروم اراج اراج» یا حتی «همچو به تصمیم نرفتن» نامگذاری کرد. سیم زرجانی، رئیس‌جمهور پیشین، با وجود همه نقدهایی که بر عملکردش وارد است، در کتاب «شکست‌های ملی و دیپلماتیک هشتاد» همین معضل اشاره کرده است. وی در جایی به سندروم اراج اراج اشاره و نقل به معنوی بیان می‌کند بسیاری از مسائلی که بد در شورای تأمین می‌شهرستان‌ها و حتی به شورای انعام ملی می‌ارجد این است که تصمیم‌گیری توسط عالی‌ترین مقامات نظام گرفته نشود؛ باید که مسؤولان، هزینه تصمیم‌گیری را